



مجلس "یک دست" کدام موانع تولید را می خواهد رفع کند؟

یادداشت

صادق کار



مصطفی میرسلیم یکی از کاندیداهای بازاری مجلس یازدهم در گفتگویی که خبرگزاری "ایلنا" در ۲۹ بهمن با وی انجام داده است، مهمترین دغدغه مجلس یازدهم را رکود و تعطیلی کارخانه ها ذکر نموده و گفته: "مشکلاتی که وجود دارد، عمدتاً به موضوع رکود مربوط می شود. متأسفانه بسیاری از کارخانه های ما از کار بازمانده و کارکنان آنها از کار بازمانده اند. این موضوع هم روی تولید تاثیر داشته و هم به مشکلات جوانان فارغ التحصیل برای ورود به بازار کار اضافه کرده است...". میرسلیم اظهار امیدواری نموده که این مشکلات با تشکیل "مجلس یکدست" برطرف شود. او البته در این گفتگو نگفت که برنامه حزب او برای برطرف کردن مشکل رکود و بیکاری چیست. با این حال نظر به شناختی که از سوابق ایشان و هم حزبی های شان در "موتلفه اسلامی و اتاق بازرگانی" در دست است، راه حل های اصلی آنها، خصوصی سازی تمام واحدهای دولتی، آزاد سازی کامل اقتصادی و سپردن اختیارات به بازار، کاهش مالیات تجار و ثروتمندان و از آنها مهمتر حذف کلیه قوانین حمایتی و اجتماعی از نیروی کار، سپردن تعیین دستمزد به کارفرمایان و امحاء حداقل دستمزد، کاهش حق بیمه کارفرمایان و مواردی از این دست است. آنها سالهاست به بهانه رفع رکود و ایجاد اشتغال بخش های زیادی از آنها را حذف کرده اند. با این همه هیچ کدام از این اقدامات در رفع رکود موثر واقع نشده اند. خودشان هم از ابتدا می دانستند که مشکل در جاهای دیگری است. منتهی از فرصت می خواستند برای از بین بردن حق و حقوق کارگران بهره بگیرند که گرفتند. الان هم هنوز راضی نیستند و می خواهند ته مانده قوانین حمایتی را به این بهانه از بین ببرند. سخنان برخی نمایندگان کنونی مجلس نیز حاکی از همین مسئله است. استارت تمام تغییراتی که تا کنون در قانون کار انجام گرفته، از طرف همین جماعت موتلفه و حجتیه ای ها بوده است و اصلاح طلبان و دارودسته روحانی نیز به آن پیوستند. زمانی که یک سیاستمدار محافظه کار از رفع موانع تولید دم می زند، کارگران خوب می دانند که مقصود طرف تعرض به حقوق کارگران و زحمتکشان است.

اگر مشکل رکود و بیکاری با این جور کارها حل شدنی بود، که در مجلس "دو دست" هم که سالها داشت این اقدامات را با همراهی دولت انجام می داد، حل شده بود. با وجود انجام اکثر این کارها، که سالها بعنوان راه حل موعظه می شدند، اما حتا رجوع به آمارهای دستکاری شده رسمی نشان می دهند که رکود و بیکاری حتا در سالهای طلایی نفتی بیشتر شده اند.

بنا بر این نه ادامه سیاستهای اقتصادی کنونی که میرسلیم و حزب شان نیز جز حامیان و مشوقان آن بودند و هستند و شاید تنها نسبت به آهنگ آن انتقاد داشتند و دارند، نه بر سرعت کردن آن می تواند به رکود فزاینده پایان دهد. معنی این گفته میرسلیم این است که مجلس آینده که به احتمال زیاد دوستان محافظه کار و افراطی میرسلیم دست بالا را در آن خواهند داشت، می خواهند سیاستهای کنونی را شتاب ببخشند. بنا بر این به فرض این که مجلس یک دستی هم شکل داده شود و میرسلیم هم بتواند وارد آن شود، راه حل دیگری به غیر از سیاستهای تا کنونی نمی تواند داشته باشد.

پرشتاب کردن سیاستها، اما به ناگزیر به اعتراضات و نارضایتی های اجتماعی دامن خواهد زد و هزینه دستگاه سرکوب را نیز بالا خواهد برد و چالشهای تازه ای را برای رژیم خلق خواهد کرد. تشدید روز افزون سرکوب و مجازات ناراضیان سیاسی که حتا در



هنگام انتخابات فرمایشی هم ادامه دارد، معنای دیگری به غیر از این که رژیم پروسه "یکدست" کردن رژیم را می خواهد با تشدید سرکوب پیش ببرد ندارد.

اما کارشناسان مختلف سیاسی و اقتصادی طی چند سال گذشته گفته و نوشته اند، که مشکلات اقتصادی ایران ریشه سیاسی دارند. یعنی این که تا زمانی که رژیم سیاستهای داخلی و خارجی اش را که در رکود اقتصادی و بیکاری نقش اساسی دارند تغییر ندهد، اگر راه حلی برای پایان دادن به تحریم ها پیدا نکنند، اگر دست از دخالت های ماجراجویانه شان در کشورهای منطقه بر ندارند و اگر به سرکوب مردم پایان ندهند و... بحران اقتصادی و رکود و بیکار تشدید خواهد شد.

همین امروز "گروه ویژه اقدام مالی" ایران را در لیست سیاه این گروه قرار داد و علت آن را عدم تصویب لایحه "تامین مالی تروریسم" اعلام نمود. اکثر کسانی که از تصویب نهایی آن جلوگیری کردند، همان هایی هستند که "مجلس یک دست" را برنامه ریزی کرده اند. و اکثر کسانی که با عادی سازی مناسبات با امریکا هستند همین افراد هستند. بنا براین راه حل میرسلیم برای رفع رکود و بیکاری نه تنها کمکی نمی کند، بلکه بر وخامت آنها می افزاید. رژیم جمهوری اسلامی و قوانین آن و همچنین راهکارها و رفتار رژیم با مردم، بیگانه با روح زمانه و نیازهای انسان امروزی ست و به همین جهت محکوم به فناست. هم از این رو است که رژیم برای بقای اش به سرکوب و زورگویی و نظامی گری و کشتار بیرحمانه مردم روی آورده است. فقط با زور است که برای مدتی رژیم می تواند خودش را سرپا نگه دارد. کار یک دست کردن رژیم هم نه ره بجایی خواهد برد و نه کمکی به طولانی شدن عمر آن خواهد کرد. چهل سال است که برای یک دست کردن رژیم تلاش شده است ولی بی نتیجه مانده اند.



فعالین محیط زیست را بدون قید و شرط آزاد کنید!



جعل حمایت و وارونه کردن حقایق تا کی؟ الف فلزکار



خبرگزاری ایلنا که در طول دوهفته اخیر تعدادی از صفحات این خبرگزاری را به تبلیغات انتخاباتی دارودسته محبوب در خانه کارگر و کاندیداهای مجلس فرمایشی همچون، علیرضا محبوب، سهیلا جلودار زاده، و یکی دو تن دیگر از آنها قرار داده است، در دوهفته اخیر روزی نیست که چند مطلب تبلیغاتی به صورت مختلف که همگی مضمون تبلیغات انتخاباتی دارند از طرف کاندیداهای مشترک خانه کارگر و حزب سازندگی در "ایلنا" منتشر نشود. صفحاتی از این خبرگزاری علاوه بر آن به هواداران این گروه برای تبلیغ به نفع کاندیداهای خانه کارگر اختصاص یافته است.

ایلنا در حمایت از این افراد تا جایی پیش رفته که مبادرت به جعل خبر نموده. در یکی از این اخبار جعلی پیامی از طرف کارگران هفت تپه در حمایت از علیرضا محبوب کاندیدای نمایندگی مشترک خانه کارگر و حزب کارگزاران منتشر شد که یک روز بعد از طرف کارگران هفت تپه تکذیب شد. پیام که معلوم بود با حساب و کتاب نوشته شده تا در صورت تکذیب قابل توجیه باشد، با امضای "جمعی از کارگران" منتشر شده بود. اما مهمتر از این سواستفاده تجلیلی بود که در آن از نقش علیرضا محبوب در حمایت از کارگران هفت تپه شده بود. نقشی که کاملاً وارونه نشان داده شده بود. نویسنده متن توجه نکرده بود که خانه کارگر نه در برپایی هیچ یک از اعتصابات که در هفت تپه رخ داده بود کوچکترین نقشی داشته و نه حمایتی از رهبران زندانی کارگران نموده بود و نه تلاشی برای آزادی آنها انجام داده بود. محبوب هم دشمن سندیکای نیشکر، هم دشمن شورای کارکنان آن که در جریان اعتصابات و از دل اعتصابات زاده شد بوده و هست و با اعتصابات هفته هم موافق نبود و میانه خوشی هم با رهبران کارگران نداشت و ندارد. او زمانی که سیل حمایت از کارگران و رهبران اعتصابات از هر سو بسوی کارگران به راه افتاده بود، فرصت طلبانه برای موج سواری وارد میدان شد و کوشید با سواستفاده از زندانی شدن رهبران اصلی اعتصابات و در غیاب آنها شورای اسلامی را بر جای شورای واقعی کارکنان و سندیکای پر تلاش هفت تپه بنشاند و با این ترفند ردیلانه هم کلک دو تشکل واقعی و مستقل را بکند و هم خدمتی از این طریق به کارفرما و دولت و نیروهای امنیتی که مشغول شکنجه اسماعیل بخشی و همراهانش و در تدارک آوردن آنها برای نمایش تلویزیونی بودند، انجام دهد. این بود نقش واقعی محبوب و خانه کارگر در برخورد با کارگران هفت تپه. حال چگونه ممکن است کارگران هفت تپه که شاهد همه این مسائل بوده‌اند و هنوز هم عده‌ای از آنها در حال اعتراض هستند، تمایل به شرکت در انتخابات فرمایشی داشته باشند و فراتر از آن بخواهند از محبوب و جلودار زاده، پیشگام زنانه- مردانه کردن "اتحادیه‌ها" در ایران طرفداری کنند.

پیام مشابه‌ای نیز با امضای "جمعی از کارگران فولاد اهواز" و با همان تردستی در حمایت از کاندیداهای خانه کارگر و رای دادن به آنها منتشر شد که به نظر نمی‌رسد صحت داشته باشد و بفرض این که صحت هم داشته باشد معلوم نیست تعداد این "جمع" چند نفر باشند.



پیش از آن نیز پیام دیگری در همین ارتباط با امضای "اتحادیه کارگران صنعت خودرو در خبرگزاری ایلنا" منتشر شد که فقط در چنین مواردی اعلام وجود می کند و کسی نه از زمان تشکیل و کم و کیف سابقه و فعالیتهای آن چیزی می داند و نه اسمی از رهبران آن شنیده است و نه آدرسی از آن وجود دارد. این "اتحادیه" به اندازه همان "کنفدراسیون کارگری" که محبوب روی کاغذ برای خودش ساخته است، گمنام است.

خانه کارگری ها البته برای گرفتن حمایت به سراغ خیلی ها رفته اند ولی با جواب رد آنها مواجه شده اند. به همین جهت به تقلب متوسل شده اند.

اگر خانه کارگر اعتباری در میان کارگران داشت و به راستی از حق و حقوق کارگران دفاع می کرد که دیگر کسی سراغ تشکیل سندیکا و شورا و انجمن صنفی مستقل نمی رفت.

هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری در سالهای اخیر رخ داده است، یکی از وظایف اتحادیه های کارگری سازماندهی اعتصابات و دفاع از مطالبات اعتصابیون است، محبوب و تشکیلات خانه کارگر در کدام یک از آنها نقش داشته اند؟ صدها تن از رهبران اعتصابات و اعتراضات از کار اخراج و به زندان افتاده اند و عده ای نیز در زندان سر به نیست شده اند. چند نفر آنها از اعضای خانه کارگر بوده اند؟ آقای محبوب برای آزادی چند نفر از آنها که به زندان افتاده اند، در مقام نماینده مجلس، رئیس فراکسیون و پارلمان کارگری، دبیرکل خانه کارگر، رفیق نزدیک وزیر کار و سخنگوی دولت، عضو فراکسیون امید، کاری انجام داده است؟ این چه اتحادیه ای است که حتا در یک اعتصاب نقشی نداشته است؟ دبیرکل یک تشکل واقعی کارهایش و موضعگیری هایش در قبال وظایفی که به عهده دارد باید شفاف و علنی باشد. ما که تا حالا حمایتی از محبوب در موارد فوق الذکر ندیده و شنیده ایم. با این سوابق پیداست که این تشکیلات نفوذی در میان کارگران نداشته باشد و دنبال جعل حمایت باشد!

غرض از این نوشته اعتراض به حمایت کسی یا گروهی از یک تشکل حکومتی نیست. هر کس اختیار دارد از هر نهاد و شخص که مایل است حمایت کند. مقصود اعتراض به جعل حمایت و وارونه کردن حقایق آشکار و فرصت طلبی این جریانات و سواستفاده از آنها برای مقاصد شخصی و گروهی است. جعل حمایت و وارونه کردن حقایق تا کی مگر امکان پذیر است. آیا گردانندگان اصلی خبرگزاری "ایلنا" این همه از اوضاع پرت هستند که اجازه می دهند به مدت دوهفته صفحات این خبرگزاری به مرکزی برای دروغ پراکنی و فریب افکار عمومی این افراد تبدیل شود؟

ظاهرا خبرگزاری "ایلنا" قرار بوده که خبرگزاری همه نیروی کار باشد و همه مسائل مربوط به کارگران و تشکلهای کارگری را بازتاب دهد. و نه اینکه دربست در اختیار خانه کارگر و به ارگان تبلیغاتی آنها تبدیل شود و بدتر از آن گزارشات جعلی را به سود آنها منتشر کند.



مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری را گسترش دهیم!



اشتغال در اقتصاد سبز- بخش 4

ترجمه گودرز اقتداری

شبکه سازمان های پژوهشی برای ارزیابی اشتغال سبز - گزارش پیش انتشار 2017(1)



محدودیت منابع، تأثیرات اقلیمی و الودگی محیط زیست

اگر مصرف منابع طبیعی به مقیاس کنونی ادامه یابد، آب، سوخت فسیلی، چوب و محصولات زراعی تا سال 2050 به شدت محدود و کمیاب خواهند شد، به طوری که اشتغال و تولید نیاز های زندگی برای جمعیت قابل پیش بینی کره زمین در حدود 10 میلیارد نفر را تأمین نمایند. از میانه دهه 1970 به بعد رشد مصرف منابع برای جمعیت زمین از رشد تولید منابع که کره زمین قادر به تأمین آن بود گذر کرد و تأمین دوباره آب، گیاهان و جانوران از توان کره خاکی فراتر رفت. به سادگی باید گفت بشر بیش از منابع موجود و قابل جایگزین زمین مصرف می کند.

مفهوم ردپای زیست محیطی یک حسابرسی اکولوژیک است که حجم و سطح قابل تولید منابع بیولوژیک (میوه و سبزیجات، ماهی و گوشت، چوب الیاف و غیره) را نسبت به حجم و سطح موجود در محیط که توسط بشر مصرف می شود، نشان می دهد. شبکه ردپای مصرف جهانی در سال 2003 پایه گذاری شد که به عنوان یک اتاق فکر مستقل عمل می کند و رد پای زیست محیطی جهانی را دائماً نظاره و محاسبه می نماید. یکی از نقاط مورد محاسبه این موسسه، روز جهش زمین است که نشان دهنده لحظه ایست که بشر تمام بودجه زیست محیطی آن سال را مصرف کرده و عملاً بدهکار محیط زیست زمین می شود. در سال 2014 روز 19 اوت روز جهش زمین بود ولی از آن پس این روز نمادین هرسال زودتر فرا می رسد. در سال 2017 روز جهش در دوم اوت اتفاق افتاد.

فاجعه تغییرات اقلیمی، نابودی اشتغال و مهاجرت های اجباری

تداوم بلایای طبیعی در دهه های اخیر به شدت افزایش یافته و خسارات ناشی از آن نیز به مراتب بیشتر شده است. در سال 2007 طوفان سیدر صدها هزار کسب و کار را تعطیل، و بیش از 550 هزار کارگر شاغل را در بنگلادش بیکار کرد. گردباد هاگپ نیز که در دسامبر 2014 به فلیپین رسید بیش از 800 هزار کارگر را تحت تأثیر قرار داد و آنها را از کار انداخت. اقتصاد ایالات متحده بدنبال طوفان های هاروی و ایرما بر 33 هزار کارگر شاغل در سال 2017 صدمات جبران ناپذیر وارد آورد و برای اولین بار بعد از هفت سال باعث نزول اشتغال در کشور شد.

علاوه بر اینها حوادث مربوط به "آغاز تغییرات آهسته اقلیمی" بر سرزمین های وسیع و منابع تولیدی زراعی گسترده تأثیر گذاشته اند و بسیاری مشاغل دائمی و فصلی را نابود کرده اند، که باعث کوچ و مهاجرت های بزرگ کارگری از شهرها و حاشیه این مناطق شده است. این مهاجرت ها به بسیاری از اقشار آسیب پذیر از جمله زنان، کودکان، جوانان، افراد با ناتوانی های جسمی و اقلیت های بومی صدمه وارد کرده است. در سال 2008 در سطح جهانی 20 میلیون نفر فقط به علت تغییرات غیرعادی هوایی و بلایای طبیعی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند، در مقایسه با 4.6 میلیون که در اثر درگیری و جنگ و خشونت مجبور به جابجایی مکان زندگی شده بودند. پیش بینی ها حاکی از آن است که در فاصله سالهای 2010 تا 2050 بین 25 میلیون تا یک میلیارد نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه خود خواهند شد، که تغییرات شدید اقلیمی و بلایای زیست محیطی عملاً بزرگترین عامل این جابجایی ها خواهد بود.



در بسیاری از مناطق جهان، فشار ناشی از حرارت شدید هوا نرخ تولید کارگران را پایین آورده است و آنان را به انواع بیماری های شدید و حتی مرگ از شدت حرارت تهدید می کند. در کشورهای درحال توسعه با حرارت هوای بالا، تا پنجاه درصد از نرخ تولید معمول برای کسانی که در فضای باز کار می کنند، مانند کشاورزان و کارگران ساختمانی، کاهش یافته است.

به عنوان هزینه واقعی آلودگی هوا، در مناطق صنعتی چین پیش بینی امید به زندگی افراد به طور متوسط پنج سال کاسته شده است. علاوه بر این کاهش قابل ملاحظه ای در نرخ تولید کارگران در این مناطق پیش بینی می شود. در حال حاضر نزدیک به ده درصد از زمین های زراعی چین براساس نظر متخصصین بهداشت برای کشاورزی نامناسب و غیرقابل زراعت شناخته می شود. سازمان بهداشت جهانی WHO در سال ۲۰۱۶ نتیجه گرفته است که ۱۲.۶ میلیون نفر در جهان در سال ۲۰۱۲ به دلیل محیط زندگی و کار غیربهداشتی جان خود را از دست داده اند، که عملاً یک چهارم مرگ در جهان را می توان ناشی از شرایط و محیط آلوده برای زندگی دانست. براساس این گزارش آلودگی هوا به تنهایی عامل هشت میلیون مرگ و میر در جهان بوده است.

(1) - Green Jobs Assessment Institutions Network (GAIN) Advance print Nov 2017



کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!



طرح کلی تاریخ کار- بخش دوم

یان لوکاسن، انستیتو بین المللی مطالعات اجتماعی



چارلز تیلی، از سرآمدان تاریخ کار

معنای کار (labour) و زحمت (work)

مناسب است با این سؤال شروع کنیم: کار چیست، خواه با و خواه بی پرداخت؟ کار بی پرداخت غالباً در بافتار خانگی انجام می شود: پخت و پز، شست و شور، وصله پینه، بچه داری، ...؛ فعالیتهائی که گاه کار بازتولیدی، در برابر کار تولیدی، هم خوانده می شوند. سواى این دست کارها، کارهای بدون دستمزد دیگری هم هستند که داوطلبانه انجام می شوند. اگر کار را کار باپرداخت بفهمیم - یعنی فعالیتی که برای مزد یا حقوق انجام می شود - این نوع فعالیت غالباً "کار" (labour) نامیده می شود. اما مفهوم زحمت (work) شامل فعالیت مستقل افراد، از ساده ترین شکل "خویش فرمائی" تا فعالیت یک بانکدار بین المللی را شامل می شود، مشروط به این که اگر بانکدار مورد نظر آن فعالیت معین را انجام ندهد، چیزی به ثروت اش افزوده نخواهد شد.

مثل بسیاری دیگر از تعاریف، شاید ساده تر این باشد که بگوئیم کار چی نیست تا چیست. شماى خواننده، امروز صبح که از خواب بیدار شدید، بازه ای چند ساعته از کارنکردن را، یعنی مدتی را که در خواب بودید، پشت سر دارید. شست دست و رو و خوردن صبحانه و دیگر فعالیتهائی که صرف رسیدن به شخص خودتان می کنید، کار محسوب نمی شوند. اما روز کاری کسی از خانواده تان که باید لباس بچه را بپوشد، لقمه شان را آماده کند، و آنها را به مدرسه برساند، از همان وقت شروع شده است.

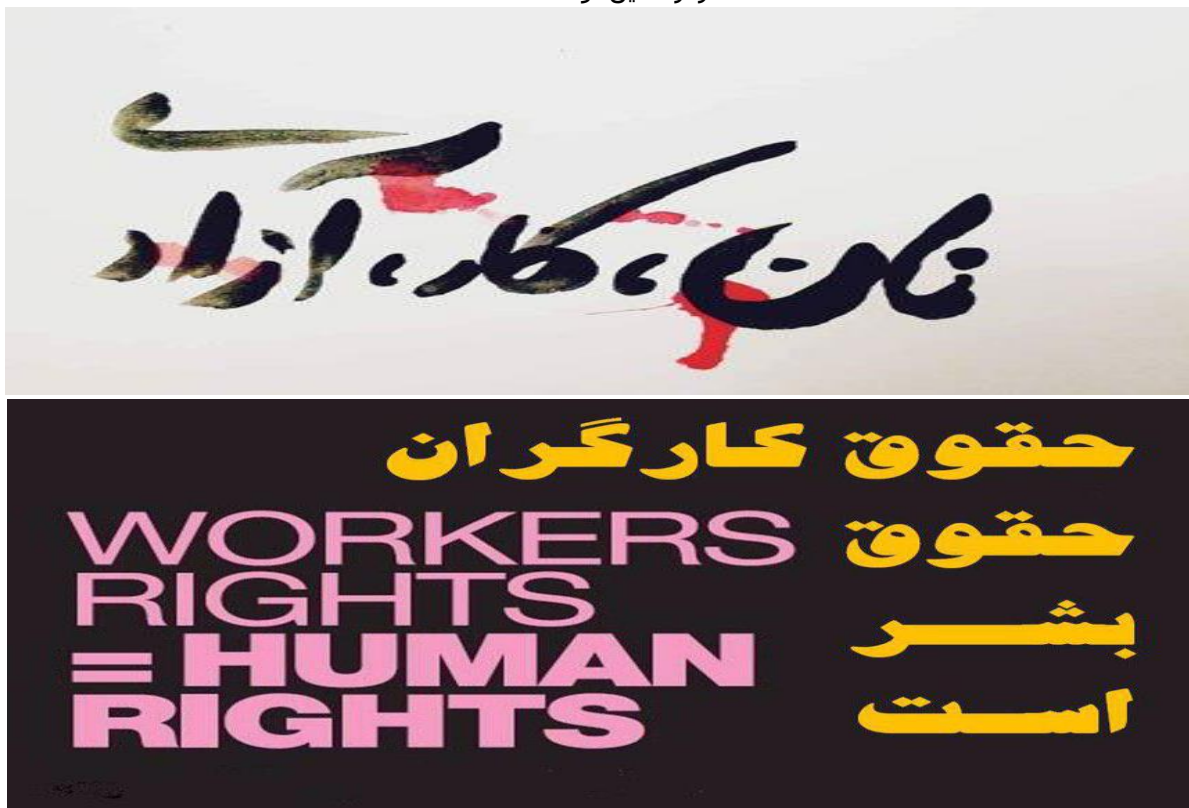
تعریف مشهوری از کار توسط چارلز تیلی صورت گرفته که ترجمه آزاد آن چنین است: "کار شامل هر فعالیت انسانی است که به ارزش استفاده از کالاها و خدمات می افزاید". باید تأکید کرد که در این تعریف استفاده شخصی از وقت آزاد خود فرد هم باید منظور شود. در این حالت تنها بدیلای کار می توانند خوابیدن و "رسیدن به خود" باشند. از این قرار لازم است که وقت آزاد و "رسیدن به خود" از مفهوم کار متمایز شوند.

برای روشنی، جایجائی بین کار و وقت آزاد می تواند بسیار سیال باشد. در فرهنگهائی که تأکید کمتری بر فردیت دارند، و در جاهائی که موقعیت برای برخورداری از کار توسط نیروهای طبیعی تعیین می شود، تفکیک بین کار و وقت آزاد ابداً ساده نیست. پس، و برای مثال، در سالهای دهه 50 قرن گذشته وقتی از اهالی روستاها در مکزیک و اکوادور در باره وقت آزاد چیزی پرسیده می شد، به نظر می رسید که آنها هیچ تصور و درکی از وقت آزاد ندارند. به قول نلز آندرسون، آنها مادام که لازم بود کار می کردند، اما مطلقاً نه با ضربهائی چنان که در "غرب" رایج است. چنان که آندرسون توضیح می دهند، "آنها هر لحظه از وقت شان را صرف کار یا فعالیتی ساختارمند می کنند. وقتی کار نمی کردند، می روند چیزی می نوشند و تفریح می کنند. به زعم بیئات سالز (Beate Salz) "سرخوستان اکوادور مدام کار می کردند اما فراموش نمی کردند که ازدواج و انواع و اقسام جشنها مهمترین دلیل برای زندگی اند". آندرسون ترجیح می دهد که در این باره در بافتار "تعهدات اجتماعی" بنوسید و علیه این دست از "تعهدات غیرکاری" هشدار می دهد و آنها را به سادگی از جنس وقت آزاد به شمار می آورد. البته از این هم که بگذریم، این نوع برخورد به عنوان یک همسر، والد، شهروند یا دوست خوب، می توانست موجب خوشنامی و لذتی شود، که به مراتب از لذت وقت آزاد عمیقتر است. حتی در فرهنگ مدرن غرب نیز، مرزهای بین کار خانگی، رسیدگی به اعضای خانواده و وقت آزاد می توانند بسیار سیال باشند. برعکس در مناسبات صنعتی، موضوعات به مراتب مستقیم تر اند. 6-پاره ای از یک شعر انگلیسی، با عنوان تعطیلات، که در قرن پانزدهم سروده شده میگوید:



مدتها منتظر امروز بوده ام
و حالا، بدون دوک نخریسی و قرقره
شاد و سرخوش مشغول بازی ام.
پس از این روز تعطیل
باز با دوک نخریسی و قرقره سر می کنم
تا... شادی بعدی که باز یک روز تعطیل است.
نکته مهم در این شعر این است که کارگران دستمزدی، حتی قبل از زنگ و بوق کارخانه ها و کارگاه های صنعتی، کاملاً به فرق
بین کار و وقت آزاد واقف بوده اند.

هیچکس به تنهایی کار نمی کند، و هر جا که انسانها با هم کار می کنند، مناسبات کار شکل می گیرند؛ مناسباتی که از
مناسبات برابر تا بدترین روابط سلسله مراتبی سلطه و تبعیت تغییر می کنند. در تاریخ کار، چنان که تا کنون تدوین شده، تقریباً
تمام توجهات صرف مناسبات بین کارگر و کارفرما - و گاهی هم صرف مناسبات برده و برده دار - شده است. اما در تدوین تاریخ
کار لازم کار خانگی و دیگر اشکال کار، مثلاً کاری که بین دو همسر تقسیم می شود، یا شغلی که چند برادر آن را با هم پیش
می برند - مثل کار کلاسیک یک خانواده در یک مغازه یا در یک مزرعه کوچک - نیز ملحوظ شوند. من مناسبات کاری بین کارگر و
کارفرما را مناسبات بیرونی و مناسبات مشارکتی در کار خانگی، در درون یک شغل مشترک یا بین کارگران دستمزدی و حتی
بردگان را مناسبات درونی نامیده ام. منشاء و تحول تاریخی تمامی این مناسبات کاری، و پسزمینه این تحول تا امروز، موضوع
مرکزی این نوشته است.



مبارزه مشترک برای آزادی فعالین کارگری، مدنی و سیاسی را سازمان
دهیم!

چرا اعلام میزان افزایش دستمزد به بعد از انتخابات موکول شد! صادق



بنا به گفته برخی از نمایندگان تشکلهای کارگری حکومتی در شورای عالی کار، در این شورا بر سر چند و چون میزان افزایش دستمزد سال ۹۹ در روز چهارشنبه ۳۰ اسفند توافق به عمل آمده. معهذاً آنها اعلام نتیجه توافقات شان را به دوشنبه هفته آینده موکول کرده‌اند. این "نماینده" دلیلی برای تأخیر در اعلام نتیجه نیاورده، ولی جای کمتر تردیدی وجود دارد که علت اصلی تأخیر به انتخابات فرمایشی مجلس و جار و جنجال‌های فریبکارانه‌ای است که سرکردگان این تشکلهای در مورد معجزات انتخاب فرمایشی رژیم به راه انداخته‌اند. آنها که خود بهتر از هرکس می‌دانند که چقدر در مورد این انتخابات دروغ بهم بافته‌اند تا کارگران را بفریبند و آنها را به پای صندوق‌های رای که در این دوره با تحریم گسترده مردم مواجه است بکشانند، نمی‌خواهند با اعلام تصمیم شورای عالی کار، کارگران را بیشتر از اینکه هست قبل از روز انتخابات علیه خودشان و حکومت شان بشورانند!

اگر آنها آنطور که وعده داده بودند توانسته باشند بهبود واقعی در افزایش دستمزدها بوجود آورند، حتماً برای تبلیغ هم که شده قبل از انتخابات آن را در بوق و کرنا می‌کردند.

کسی در انتظار معجزه نبوده و نیست، این امام زاده شورای عالی کار ۴۰ سال است که کور کرده ولی شفا نداده است. وعده‌های دهن پرکن نمایندگان تشکلهای کارگری حکومتی هم ۴۰ سال است که حتا یکی از آنها درست از کار درنیامده و مشخص شده که همگی به قصد فریب کارگران بوده‌اند.

سالهاست که دولت و کارفرمایان پیشاپیش بین خودشان بر سر ثابت نگاه داشتن دستمزدها زیر خط فقر، کمتر از نرخ تورم و هزینه‌های خانوار تعیین می‌کنند و حتا آمارها را نیز در حد مطلوب نظرشان تغییر می‌دهند تا توجیه به اصطلاح قانونی و حقوقی هم برای کارشان داشته باشند.

مدتی قبل از تعیین آن نیز با یاری برادران شان در نهادهای سرکوب و دستگاه قضایی سرکوبگرتر از خودشان عده‌ای را که ممکن است چوب لای چرخ شان بگذارند، روانه زندان می‌کنند و بلافاصله بعد از تعیین دستمزد دو برابر آنچه به ظاهر بر دستمزدها افزوده‌اند با بالا بردن قیمت کالاها و خدمات و بستن مالیات و غیره آنرا که افزوده‌اند باز پس می‌ستانند!

سقف درخواست افزایش دستمزد نمایندگان تشکلهای حکومتی نیز خط فقر است. از نظر آنها گویا کارگران بایستی به دستمزد در سطح فقر گردن نهند. همین انتظار پائین میدان مانور کارفرمایان و دولت را برای ثابت نگاه داشتن دستمزدها چند مرتبه زیر خط فقر فراختر می‌کند. نتیجه این می‌شود که سطح دستمزدها سال به سال نسبت به هزینه‌های زندگی پائین تر می‌رود و هزاران مشکل و فاجعه برای مزدبگیران می‌آفریند.

تشکلهای و سندیکاها کارگری مستقل اما به درستی برای افزایش دستمزد بالای خط فقر و داشتن زندگی شایسته مبارزه می‌کنند و آن را حق طبیعی خودشان می‌دانند.

امسال اما وضع از سالهای گذشته به مراتب بدتر است. حرفهای علیرضا محجوب، علی خدایی، سهیلا جلودار زاده و بقیه سرکردگان خانه کارگری که این روزها از افزایش دستمزدها به ۵/۵ و ۴ میلیون و ۷ میلیون دم می‌زنند، و اگر محجوب می‌گوید "سگ را بسته‌اند و تورم را رها کرده‌اند" هم تأثیری در رویکرد ۴۰ ساله حکومت نسبت به دستمزد بوجود نمی‌آورد. اینها و



وعده‌های رنگارنگی که در تبلیغات انتخاباتی این جماعت داده می‌شوند فقط تا زمانی عمر می‌کنند که تکلیف انتخابات فرمایشی روشن شود.

دولت از پیش میزان افزایش دستمزدها و خط و خطوطی را که شورای عالی کار باید در پیش بگیرد معین نموده است. دولت تصمیم دارد دستمزد کارکنان خودش را در سال آینده ۱۵ درصد افزایش دهد. با نظرداشت بیشتر بودن حقوق کارمندان نسبت به کارگران همین رقم را با چند درصدی افزوده برای کارگران هم تعیین خواهند کرد. مسلماً دستمزدی که برای کارگران در نظر گرفته خواهد شد در خوشبینانه ترین حالت بسیار کمتر از ۴ میلیون تومان ادعایی محجوب خواهد بود که خود این ۴ میلیون نیز حداقل ۵۰ درصد کمتر از هزینه های خانوار است.

یکی از روسای کانون شوراهای اسلامی که گویا علت عدم افزایش دستمزدها را صرفاً بواسطه حضور نماینده اتاق بازرگانی می‌داند و پیشنهاد کنار گذاشتن وی از شورای عالی کار را مطرح نموده. پیشنهادی که نه از طرف دولت و نه اتاق بازرگانی که امروزه قدرت واقعی اش به مراتب بیشتر از رئیس جمهور است پذیرفته خواهد شد و نه بفرض پذیرفته شدن اش، تغییری در ماهیت و کارکرد شورای عالی کار بوجود خواهد آورد. این پیشنهاد تنها می‌تواند در خدمت توجیه عجز نمایندگان غیر واقعی کارگران در این شورا و به بیراهه کشاندن کارگران از مشکل واقعی باشد.

تعیین دستمزد و شرایط کاری بایستی به اتحادیه ها و پیمان های دسته جمعی واگذار شود

ساختار شورای عالی کار که به آن عنوان "سه جانبه گرایی" داده‌اند، در واقع یک نهاد کارفرمایی-دولتی بیش نیست. بنا بر این ماهیتا نهادی است ضد کارگری و مدافع منافع کارفرمایان دولتی و خصوصی و به تبع آن با چنین تغییراتی ماهیت و تصمیمات آن متحول نخواهد شد. شورای عالی کار باید منحل شود و وظایف آن به اتحادیه محول شود. افزایش دستمزد و بهبود شرایط کاری در شرایط نرمال تنها با وجود سازمان های اتحادیه‌ای نیرومند و وجود حق اعتصاب و مذاکره میان اتحادیه های کارگری و کارفرمایی و با انعقاد قراردادهای دسته جمعی میسر است. به صورتی که در کشورهای زیادی متداول است مقصود از سه جانبه گرایی این نیست که نمایندگان سه طرف، دولت، کارگر و کارفرما بنشینند با کیفیتی که در ایران باب کرده‌اند، تصمیم بگیرند و آن را قانون کنند. مذاکرات و توافقات در این کشورها بین اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی صورت می‌گیرند و دولت تا لازم برایش نباشد دخالتی در کار آنها نمی‌کند. قراردادهای دسته جمعی که به این صورت منعقد می‌شوند تا زمان سر رسید آنها حکم قانون را دارند. کارگران هم می‌توانند برای رسیدن به شروط شان در صورت عدم توافق اعتصاب کنند. مذاکرات بین سه طرف البته در مورد مسائل گاه و در صورت بالا گرفتن و طولانی شدن اعتصابات در برخی رشته های شغلی انجام می‌گیرد و اگر توافقی در آن صورت بگیرد توافقی است که هر طرف بلاخره به قسمتی از خواسته اش می‌رسد.

سمت مبارزات صنفی کارگران در ایران نیز می‌بایست به این سو و بسوی تشکیل اتحادیه ها و قراردادهای دسته جمعی سوق پیدا کند. در غیر این صورت کارگران ناپستی انتظار داشته باشند دولتها و کارفرمایان با مطالبات آنها موافقت و شرایط مزدی و کاری شان را داوطلبانه بهبود دهند. تشکلهای فرمایشی نظیر خانه کارگر را در واقع به این دلیل بوجود آورده‌اند و آنها را حمایت می‌کنند تا با کمک آن از تشکیل اتحادیه های کارگری واقعی را بگیرند و حق و حقوق کارگران و مزدبگیران را از بین ببرند. به همین جهت این تشکلهای نمی‌توانند مدافع حق و حقوق کارگران باشند و قول و قرار های شان را جدی گرفت.



ISNA

ISNA/PHOTO:ALIREZA SOTAKBAR

مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری را تشدید کنیم!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



اعتصاب کارگران کنتورسازی، اعتراض کارگران شهرداری منطقه ۳ بندرعباس، اعتراض کارگران خط وابسته فنی راه آهن منطقه لرستان، افزایش شتابان حوادث کارگری منجر به مرگ در کشور، ادامه اعتراضات کارگران نی بر و بازداشت یک کارگر دیگر هفت تپه، بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد در مورد حداقل دستمزد سال آینده ی کارگران، درخواست آزادی معلمان زندانی و اعتراض به پامال سازی حقوق سندیکایی معلمان توسط شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور، مهمترین رویدادهای کارگری هفته بودند.

در طول هفته در شرایطی که صفحات خبرگزاری ایلنا همه روزه مشغول انتشار فعالیت های انتخاباتی برای چند تن از گردانندگان تشکل های ضدکارگری حکومتی بود، اعتراضات کارگری بی باور به وعدههای توخالی و بدون پشتوانه علیرضا محجوب و دیگر سرکردگان باند حاکم بر "خانه کارگر" ادامه داشت. شواهد موجود و همچنین واکنش های منتشر شده آنها حاکی از ناکامی آنها برای کشاندن کارگران به پای صندوق های رای دارند.

اعتصاب کارگران کنتورسازی

در ادامه اعتراضات متعدد صنفی کارگران کارخانه کنتور سازی، در این هفته و این بار به دلیل پرداخت نکردن دستمزدهای شان طی ماه های اخیر دست به اعتصاب زدند و خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه شان شدند. کارفرما با گروگان گرفتن دستمزدها می خواهد به کارگران فشار بیاورد از سایر مطالبات صنفی شان بگذرند. با این همه کارگران در مقابل فشار و درخواست نامشروع و غیر قانونی کارفرما مقاومت می کنند و با توسل به اعتصاب با آن مقابله می کنند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری در مقابل استانداری در بندرعباس

روز چهارشنبه هفته جاری، کارگران شهرداری منطقه ۳ بندرعباس در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان طی ۴ ماه گذشته و چند مطالبه صنفی دیگر در مقابل استانداری این شهر تجمع و خواستار پرداخت دستمزدهای شان شدند. کارگران معترض همچنین خواستار واریز شدن حق بیمه های عقب افتاده شان به حساب تامین اجتماعی، دادن لباس و کفش کار و وسایل ایمنی شدند. به گزارش خبرگزاری ایلنا "کارگران معترض از استاندار خواستند شرکت پیمانکار طرف قرارداد کارگران را وادار به پرداخت حق و حقوق آنها نمایند.

"یکی از این کارگران به نمایندگی از جانب همکارانش می گوید: در این شرایط اقتصادی، وقتی چهار ماه حقوق نگرفته باشی، حتی نان خالی هم در سفره نداری! دیگر مغازه دارها هم به ما نسیه نمی دهند! توقع ما اینست که شب عید ما را دست خالی نگذارند و معوقات مزدی ما را پرداخت کنند تا شرمنده خانواده هایمان نباشیم".

اغلب شرکت های پیمانکار علاوه بر اینکه داوطلبانه حاضر به رعایت حق و حقوق کارگران شان نیستند و همه چیز را بایستی با زور از آنها گرفت، با دستمزدها و حق بیمه کارگران سرمایه گذاری و کسب و کار می کنند و سودهای زیادی نیز از این راه به جیب می زنند. این در حالی است که پرداخت نکردن به موقع و منظم دستمزد مطابق قانون کار جرم است و کارفرمای خاطی



بایستی تحت پیگرد قانونی قرار بگیرد و به مجازات برسد. علت این همه سواستفاده و حق کشی چیزی نیست مگر وجود مناسبات رانتی و باندی میان کارفرمایان و مدیران ادارات دولتی!

اعتصاب کارگران نگهداری خط وابنیه فنی راه آهن منطقه لرستان

کارگران نگهداری خط وابنیه فنی راه آهن منطقه لرستان در سه شنبه هفته جاری برای چندمین بار اعتصاب نمودند و در مقابل اداره راه آهن لرستان برای پیگیری مطالبات شان تجمع کردند. علت اصلی اعتصاب کارگران پرداخت نشدن دستمزدهای شان است. کارفرما با به گرو گرفتن دستمزدهای کارگران تلاش می کند کارگران معترض را بخاطر پیگیری مطالبات شان و اعتصابات متعددی که به منظور حفظ حق و حقوق شان انجام داده‌اند مجازات کند. اقدامی که تا کنون در اثر هوشیاری و مقاومت کارگران بی نتیجه مانده است.

افزایش شتابان مرگ ناشی از حوادث کار در ایران

گزارشات متعدد همگی حاکی از افزایش پرشتاب حوادث کار در کشور و شمار کشته شدگان آن است. بطوری که در بعضی از گزارشات آمده، تنها شمار کشته شدگان حوادث کار در ایران ۴ برابر آن در کشورهای پیشرفته است. شمار کسانی که طی این حوادث معلول و از کار افتاده می شوند به مراتب از این هم بیشتر است. علل این تفاوت فاحش، عدم اجرای مقررات ایمنی، نبود نظارت ادارات مسئول، ممنوعیت فعالیت سندیکاهای کارگری و مجازات نکردن کارفرمایان متخلف و سودخواهی مضاعف کارفرمایان است که جهت سودافزایی وسایل ایمنی لازم را در اختیار کارگران قرار نمی دهند و مقررات قانونی مربوطه را لگد مال می کنند.

ادامه اعتراضات نی برها در هفت تپه و بازداشت یک کارگر دیگر

در اوایل هفته جاری یکی دیگر از کارگران حق طلب هفت تپه به دلیل ادامه اعتراضات کارگران بازداشت و روانه زندان شد. با این همه اعتراضات کارگران نی بر که از هفته گذشته با تجمع در مقابل تامین اجتماعی شروع شد به دلیل بی پاسخ گذاشته شدن مطالبات کارگران معترض ادامه یافت. تا کنون عده زیادی از کارگران هفت تپه که در اعتصابات کارگران نقش بیشتری داشته‌اند با این امید که بتوانند به اعتصابات برحق کارگران پایان دهند در چند نوبت محاکمه و زندانی شده‌اند. با این حال با بازداشت هر کارگر مبارز و حق طلبی یکی دیگر جای او را گرفته و پرچم حق طلبی کارگران را بر پا نگاه داشته است. رژیم ابله و جنایتکار هنوز ندانسته و نمی خواهد بپذیرد که این اعتصابات ریشه در سیاستهای ضد کارگری اش و حرص و طمع بی حد و مرز کارفرمایان استثمارگر و رانتخوار دارد و با بازداشت چند کارگر نمی تواند زمینه های اعتصابات را از بین ببرد!

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد در خصوص افزایش دستمزد و برخورد سرکوبگرانه با کارگران

سندیکای کارگران شرکت واحد در این هفته با انتشار بیانیه مبسوطی به بیان نظرات این سندیکا در مورد افزایش دستمزد، ادامه سرکوب تشکلهای مستقل کارگری، و نقش و ماهیت ضد کارگری تشکلهای حکومتی امثال خانه کارگر پرداخت و حمایت این سندیکا از تحرکات کارگری همچون اعتصاب و اعتراض برای افزایش دستمزد اعلام نمود. در قسمتی از بیانیه سندیکای واحد، استفاده از امکانات اعتراضی را علت اصلی کامیابی کارگران، در هفت تپه، چادرملو، هپکو و آذرآب خوانده است. بیانیه افزون بر آن مخالفت سندیکا با سیاستهای اقتصادی و ضد کارگری دولت حامی سرمایه داران و عوامل آنها و سرکوب گروه های مزد بگیر و به زندان انداختن رهبران تشکلهای معلمان و کارگران را محکوم و همبستگی سندیکا از آنها را مورد تاکید مجدد قرار داده است. در بخش دیگری از بیانیه گفته شده: "راه رسیدن به دستمزدی عادلانه تنها با ایجاد تشکلهای مستقل کارگری برآمده از محیط کار (سندیکاهای کارگری) است. به نظر ما و بنا بر تجربه خود در محیط کارمان، کارگران باید با ایجاد سندیکاها به عنوان دژی در نبرد علیه سرمایه داران و دولت بعنوان بزرگترین کارفرمای کشور، برای تعیین دستمزد و احقاق دیگر مطالباتشان کوشش کنند". این بیانیه در شرایطی منتشر شد، که نمایندگان تشکلهای فرمایشی در شورای عالی کار مانند سالهای گذشته به همراه نمایندگان دولت و کارفرمایان در حال توطئه و فریبکاری برای تحمیل دستمزد زیر خط فقر به کارگران هستند و اعلام نتیجه قطعی را به بعد از تمام شدن انتخابات فرمایشی موکول کرده‌اند! نتیجه‌ای که پیشاپیش برای کارگران روشن است و ۴۰ سال است که نگه داشتن دستمزدها زیر خط فقر و در واقع خط بقا توسط این جماعت خود فروخته توجیه می شود. هم از این روست که به درستی در بیانیه سندیکای واحد گفته شده: "لذا راه رسیدن به دستمزدی عادلانه تنها با ایجاد تشکلهای مستقل کارگری برآمده از محیط کار (سندیکاهای کارگری) است".

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور خواستار آزادی معلمان زندانی و آزادی فعالیت های صنفی شد!

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور در نامه سرگشاده‌ای که چهارشنبه هفته جاری خطاب به



مسئولین دولتی متن آن را منتشر نمود، ضمن محکوم نمودن زندانی کردن معلمان و سرکوب تشکلهای صنفی خواستار آزادی معلمان زندانی و آزادی فعالیت های صنفی شد.

خبرگزاری "ایلنا" که به انتشار بخشی از این نامه در سایت این خبرگزاری اکتفا نمود، در قسمتی از گزارش خود به نقل از نامه سرگشاده تشکل سراسری معلمان و فرهنگیان نوشت: "به گزارش خبرنگار ایلنا، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور در نامه‌ای سرگشاده خطاب به سران سه قوا، با طرح این سوال که آیا فعالیت‌های صنفی معلمان جرم است؟! خواستار آزادی کنشگری صنفی معلمان شد".

نامه سرگشاده این تشکل سراسری در شرایطی نوشته شده که شماری از رهبران تشکلهای معلمان در زندان هستند و تعدادی از آنها به ۶ الی ۱۵ سال زندان و تعدادی نیز به شلاق و پرداخت جریمه نقدی محکوم شده‌اند. در این اواخر پس از ریاست رئیسی بر قوه قضائیه پیگرد معلمان و همچنین مجازات هایی که برای آنها در نظر گرفته می شود شدیدتر از پیش شده است. تو گویی روسای قوه قضائیه حکومت برای مجازات عدالت خواهان با هم مسابقه گذاشته‌اند! هر کدام که ادعای عدالت خواهی بیشتری می کنند، به همان نسبت بیشتر از سلف خودشان در برابر عدالت خواهان شدت عمل نشان می دهند.



***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با**

آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ**

ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

خیزش سراسری مردم سرکوب شدنی نیست، مبارزه ادامه دارد!